
رسیدگی فرجامی

- ۱- حکومت قانون را قانون اساسی ایران رسماً شناخته است و این امر در دو اصل اساسی تفسیر و خلاصه می‌شود:
نخست بدینمعنی است که قدرت استبدادی آنزمان مطیع مطلق قانون گردد و تمایلات و قدرت‌نمایی دولت و مقامات دولتی برچیده شود. درثانی کلیه طبقات در برابر قانون مساوی شوند و احکام دادگاهها و مراجع عمومی بروفق قانون درباره همه صادر و اجرا گردد.
 - ۲- نظارت در اجرای قوانین بدیوان کشور واگذار شده است که از آن تعبیر به رسیدگی فرجامی می‌شود.
 - ۳- صلاحیت‌دیوان کشور محصور بررسیدگی فرجامی نسبت باحکام دادگاههای عمومی و اختصاصی دادگستری نبوده و میتوان گفت دیوان کشور در رأس تمام دادگاههای کشور اعم از عمومی و اختصاصی و مراجع دادگستری و غیردادگستری قرار گرفته است:
- الف- اصل هشتماد و هشتم متمم قانون اساسی میگوید « حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی موجب مقررات قانون بمحکمه تمیز راجع است»
- ب- مواد ۴۷ تا ۵۷ آئین دادرسی مدنی و مواد ۲۰۱ به بعد آئین دادرسی کیفری نیز در همین زمینه تهیه و تدوین شده است.
- ج- دیوان کشور مرجع رسیدگی نسبت باحکام دادگاههای نظامی است (مواد ۲۷۱ ب بعد آئین دادرسی و کیفر ارتش)
- د- دیوان کشور باجازه اصل ۷۵ متمم قانون اساسی بالاترین دادگاه کیفری ماهیتی کشور است

و - مرجع شکایت خدمتگذاران ادارات از وزراء و موارد نقض قانون استخدام نیز دیوان کشور است.

۴- در توضیح رسیدگی فرجامی ماده ۵۵۸ آئین دادرسی مدنی میگوید: «مقصود از رسیدگی فرجامی تشخیص این است که حکم یا قرار مواد دادخواست فرجام موافق قانون صادر شده یا نه»

۵- گویانکه انقلاب اجتماعی زمان ما وظایفی را برای افراد مردم و دولت ایجاد کرده است که قبلاً نمی‌شناختیم و اجرای این وظائف بعهده ادارات دولتی و دادگاهها و مراجع اداری محول گردیده است چه دادگاههای دادگستری بدون تردید برای انجام این وظائف آمادگی نداشته‌اند بعبارت دیگر طرح اینگونه دعاوی در دادگاههای دادگستری بدون تناسب بوده است ولی این امر بدان معنی نیست که از نظارت دیوان کشور خارج شوند و قطعی و لازم‌الاجرا بعنوان این تصمیمات بمعنای آن نیست که دیوان کشور در اجرای قوانین مزبور نظارتی ننماید.

در تصمیمات دادگاهها و مراجع غیردادگستری و عین تصمیمات شبه قضائی وزراء حق نظارت دیوان کشور محفوظ است.
هرگاه بین دستگاه اداری و افراد مردم باید حکمیت بعمل آید تنها داور واقعی قوه قضائیه کشور است.

۶- در مورد مصوبات مجلسین و قوانین مملکتی و مطابقت آن با قانون اساسی در صلاحیت دیوان کشور اختلاف است.

ولی بدون تردید طبق اصل ۸۹ متمم قانون اساسی نظامنامه‌های عمومی و تصویبنامه‌های دولت موقعی در دادگستری اجرا می‌شود که مطابق قانون باشد.

۷- دادگاههای دادگستری و مراجع غیردادگستری را نباید مانند دو واحد مستقل بدون ارتباط در نظر گرفت بلکه این دو وسائل هستند برای نیل به هدف واحد که عدالت قضائی است. همانطور که دیوان کشور در احکام دادگاههای عمومی و نظامی نظارت دارد در اجرای قوانین در مراجع غیردادگستری نیز باید نظارت نماید.

۸- پای بند بودن مقامات اداری به رعایت صحیح موازین قانونی در رسیدگی و اتخاذ تصمیمات قضائی نه تنها اختیارات آنها را فلج نمی‌سازد بلکه به مصلحت آنها نزدیکتر است. بلجمله نظارت دیوان کشور در اجرای صحیح قوانین لازمه رشد ملی و حیثیت بین‌المللی ما است و اغماض و تسامح غیرقابل گذشت است.

۹- دولت مکلف و موظف است که از عدالت‌گستری نسبت به افراد دریغ نرزد. در راه تأمین عدالت و وصول بآن هیچکس حق ندارد مانع و رادع بتراشد.
هرجا وسیله‌ای برای تأمین عدالت وجود نداشته باشد دیوان کشور موظف است رأساً به تأمین عدالت بپردازد.

۱۰- هرگاه دادگاهها و مراجع عمومی (اعم از دادگستری و غیردادگستری) برخلاف صلاحیت خود تصمیمی اتخاذ نمایند و یا قانونی را نقض کنند یا در موردی

تصمیم منطبق با قوانین مصوب یا تشریفات رسیدگی نباشد دیوان کشور وظیفه دارد تصمیم را نقض کند.

در توضیح این مطلب بچند رأی دیوان کشور اشاره مینمائیم:

الف- شعبه ۷ دیوان کشور در حکم شماره ۲۰۲ - مورخ ۵۳/۲/۲۱ چنین میگوید «از مفاد بند ۲۸ ماده ۵۵ قانون شهرداری مورد استناد وکیل فرجامخواه که در باب تعیین یکی از وظایف شهرداری انشاء شده استفاده نفی صلاحیت رسیدگی دادگاههای دادگستری در موضوع این دعوی که ادعا شده شهرداری به تکالیف قانونی خود عمل ننموده نمی‌شود...»

ب- در رأی ۱۸۶۴ - مورخ ۵۲/۱۱/۲۱ چنین آمده است «رأی فرجامخواسته بنحویکه استدلال شده صحیح نمیباشد زیرا دادگاه ماهوی علت عدم تأثیر مندرجات صورتجلسه ۴۲/۳/۲۵ را که حاکی است فرجامخواه درخواست صدور پروانه ساختمانی نموده و اداره شهرداری بقدر وجود اختلاف در مالکیت فرجامخواه از انجام درخواست مشارالیه خودداری نموده است توجیه نکرده با توجه بمندرجات لایحه پاسخیه وکیل شهرداری مبنی بر عدم مالکیت فرجامخواه نسبت به قسمتی از مواد درخواست اثبات اینکه انجام درخواست فرجامخواه اشکال قانونی داشته بعهده شهرداری بوده است.

و نظر باینکه خواسته دعوی علاوه بر الزام شهرداری بصدور پروانه رفع مزاحمت مأمورین از فرجامخواه و غیر از رفع مزاحمت مذکور در ماده ۳۲۳ آئین دادرسی مدنی میباشد دادگاه ماهوی میبایستی در ماهیت دعوی بدلائل فرجامخواه و دفاع فرجامخواه رسیدگی و سپس رأی مقتضی قانونی صادر نماید.

۱۱- باید توجه داشت که نه فقط سکوت قانون بلکه حتی صراحت قانون مبنی بر قطعی بودن آراء کمیسیونها و مراجع غیردادگستری را نمیتوان بعنوان سدی غیرقابل عبور در قبال نظارت قانونی دیوان کشور شناخت.

با آنکه ماده ۱۲ قانون روابط مالک و مستأجر مقرر داشته است که: «دعاوی ناشی ازین قانون فقط قابل پژوهش است.» ولی دیوان کشور در مورد اختلاف نسبت به لازم الاجراء بودن یا نبودن قانون رابطه مالک و مستأجر نسبت به دعاوئی که قبل از اجرای آن در محلی طرح شده ولی صدور حکم در زمان لازم الاجراء بودن قانون مزبور در آن محل بوده نظر داد که ملاک احکام دادگاهها قوانین حاکم زمان صدور آنهاست و باین ترتیب هم رفع اختلاف بعمل آمد و هم در مقام اجرای قانون به طریق اصولی از سد و مانع ماده ۱۲ گذشت و نظری داد که برای محاکم لازم الاتباع است.